

پرستش واقع نشده بدون شماره مانده است و بین آبادیها را با خط و یا نقطه چین برحسب آنکه گویش دو آبادی مشابه یا متفاوت بوده باشد، بیکدیگر متصل کرده‌اند. در نقشه‌های دوم هر دهستان نوع گویش محل با حروف لاتین مشخص شده، برحسب آنکه گویش آبادی فارسی، رایجی یا ناشناخته باشد.

دراینکه تا چه حد نقشه‌ها و طرحهای مزبور رساننده مقصود و برای تهیه اطلس زبانشناسی مناسبیت داشته باشد و با در مقایسه با دیگر اطلس‌ها تا چه میزان رسائی، مطلبی است که باید دانشمندان زبان و فرهنگ و زبانشناسان و گویش شناسان اظهار نظر کنند.

ولی برای نشان دادن دامنه وسعت و عظمت کار کافی است گفته شود که هر دفتر شامل یک یا چند شهرستان خواهد بود و دفترهایی که بدینسان باید آماده شود از صد متجاوز است و اینکه کار تا کجا پیش رفته و کار تهیه و چاپ دفاتر دیگر بکجا کشیده مطلبی است که باید آقای پور ریاحی یا یکی از همکارانشان روشن کنند و اطلاعات لازم را در اینخصوص در اختیار علاقمندان قرار دهند، و بی شک صفحات گرامی ماهنامه آینده برای درج چنین اظهار نظرهایی همواره باز و جهت انعکاس نظرات دست‌اندکاران تهیه اطلس زبانشناسی آماده خواهد بود.

* * *

احمد سپیلی خوانساری

دیوان حافظ اساس تصحیح شادروان قزوینی و خلخالی

در سال ۱۳۰۶ که مرحوم سید عبدالرحیم خلخالی براساس نسخه مورخ ۸۲۷ هجری قمری خود دیوان حافظ را تصحیح و چاپ کرد نسخه او قدیمیترین دیوان حافظ آن زمان در ایران می‌نمود.

در سال ۱۳۲۰ که شادروانان قزوینی و دکتر غنی بتصحیح و چاپ دیوان خواجه شیراز پرداختند میان دهها نسخه کهن سال نسخه خلخالی را اساس کار خود قرار دادند، زیرا تصور می‌کردند این نسخه قدیمترین نسخه دیوان حافظ است چه نه مرحوم خلخالی و نه شادروان قزوینی نمی‌دانستند که این نسخه اصالت ندارد و تحریر آن در سال ۸۲۷ نبوده است.

باید دانست تنها تاریخ تحریری که کتاب در پایان هر کتاب قدیمی گذاشته‌اند پیش کتاب شناس ملاک صحت تاریخ تحریر نیست و بسیار دیده شده که کتابی از

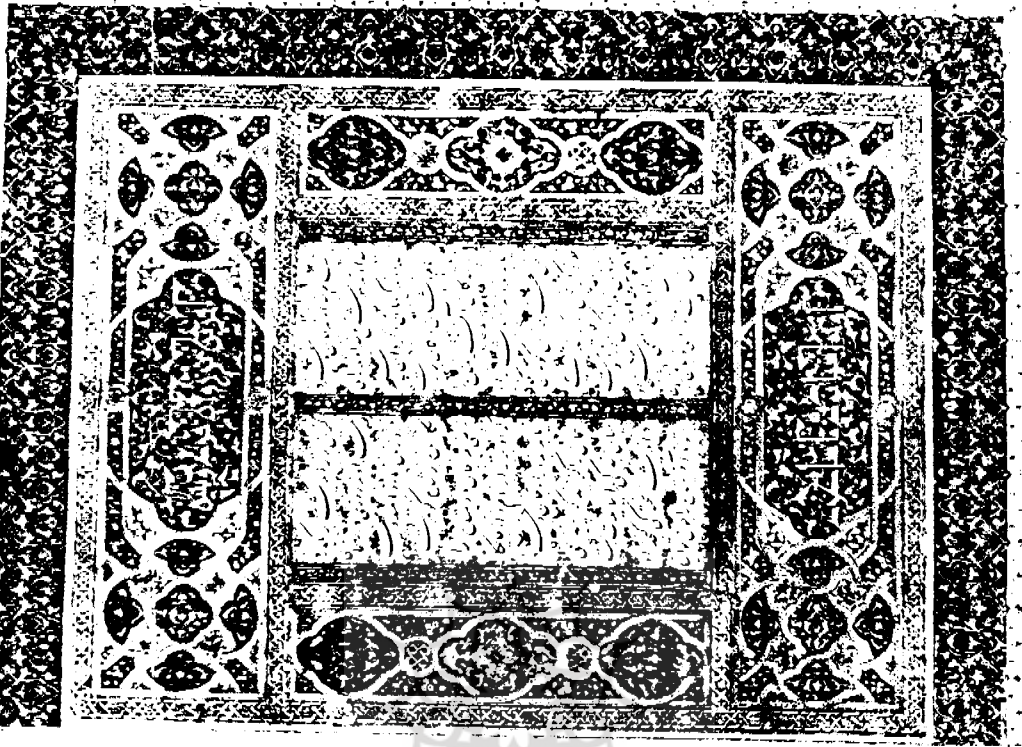
روی کتاب دیگر با نسخه اصل بخط مصنف نوشته شده و کاتب رقم و تاریخ تحریر خود را در پایان و ورق آخر کتاب نگذاشته و آنانکه از رموز کتاب‌شناسی آگاه نیستند تصور می‌کنند نسخه قدیم و یا خط مصنف است، در صورتیکه صد یا دویست سال بعد نوشته شد. و شیوه خط و اسلوب تذهیب است که زمان استنساخ اینگونه کتب را روشن می‌سازد. متأسفانه خلخالی و قزوینی که فاضل و علامه و کتاب دوست بودند با کتاب‌شناسی و رموز آن آشنایی نداشتند.

تأیید این معنی آنکه روزی در عصر آن استاد که جمعی از دانشمندان هم حضور داشتند سخن از خط کوفی بمیان آمد و آن علامه فرمودند تصور می‌کنم استادان خط کوفی در قرون اولیه در تحریر کاف‌ها و دال‌ها که برخلاف سایر حروف در خط کوفی بطور زیبایی کشیده شده، با قالب‌های مخصوص چوبی که تعبیه کرده بودند بر روی آن مرکب مالیده و بر روی پوست منعکس می‌کردند.

نگارنده با دلایل موجه ثابت کردم که اینطور نیست و اضافه کردم که کاف کوفی در خط نسخ هنوز بکار می‌رود و هر قرآن خطی را که در نظر آوریم صدها کاف کوفی می‌بینیم که تمام بیک اندازه و یک شکل تحریر شده، بنابراین قدرت دست و استمرار و مهارت خوشنویسان در اقلام هفتگانه در هر عصر و زمان بوده است که این قبیل حروف را بیک اندازه و زیبا می‌نوشتند. مقصود از اطاله سخن اینست که خلخالی و قزوینی صرف بتاریخ تحریر معمول آن متکی بودند و همین اتکاء سبب بوده که نسخه چاپ آنان از لحاظ متن چندان اعتبار ندارد و سالها گذشته هنوز به راز تاریخ این نسخه اساس پی نبرده و عجب اینست که بیشتر چاپها این چند سال بیشتر براساس متن چاپ مرحوم قزوینی بوده است. صرف نظر از حواشی و تعلیقات فاضلانۀ آن متن نادرستی است. نگارنده اکنون دلائل نادرستی نسخه خلخالی را بیان می‌کنم.

رسم الخط کتبی که در قرن نهم نوشته شده و اکثراً بخط نستعلیق و آغاز ابداع این خط و کتاب اشتیاق بسیار بفرآگرفتن و تحریر آن داشته‌اند ابتدائی و راه تکامل می‌پیموده است بوضوح روشن و معلوم می‌باشد و اگر عکس اوراق آغاز و انجام نسخه‌های اساس حافظ استاد دکتر خانلری که در جلد دوم حافظ ایشان چاپ شده و همه در نیمه اول قرن نهم نوشته شد، نظر بیفکنیم بخوبی این معنی ادراک می‌شود که شیوه تحریر خط و تذهیب در آنزمان چگونه بوده و با اندکی توجه و دقت و مقایسه آغاز و انجام نسخه خلخالی هر کتاب‌شناسی هم تشخیص می‌دهد که نسخه خلخالی در نیمه اول قرن نهم نوشته نشده و سبک خط بخوبی نشان می‌دهد که در نیمه اول قرن دهم

<p>حصان کس در حسیان ازین کسیم در عالم یافت نواز اولی نبی کشک غزوغت خود کمال یافت هری کسین در جسد خالی یافت روان در سوختی بر دبال یافت در جسد خونی خود کمال یافت کس در عالم یافت کامل رساط و سوسو کمال یافت در کسین بسیار کمال یافت کی کمال کسین خود کمال یافت کی کس در عالم یافت کمال کسین در عالم یافت کمال کسین در عالم یافت کمال کسین در عالم یافت کمال کسین در عالم یافت کمال کسین در عالم یافت کمال کسین در عالم یافت کمال کسین در عالم یافت کمال کسین در عالم یافت</p>	<p>حصان کس در حسیان ازین کسیم در عالم یافت نواز اولی نبی کشک غزوغت خود کمال یافت هری کسین در جسد خالی یافت روان در سوختی بر دبال یافت در جسد خونی خود کمال یافت کس در عالم یافت کامل رساط و سوسو کمال یافت در کسین بسیار کمال یافت کی کمال کسین خود کمال یافت کی کس در عالم یافت کمال کسین در عالم یافت کمال کسین در عالم یافت کمال کسین در عالم یافت کمال کسین در عالم یافت کمال کسین در عالم یافت کمال کسین در عالم یافت کمال کسین در عالم یافت کمال کسین در عالم یافت</p>
--	--



خطا بزدهم دور ۸۴۱



باباد، فیض م خانی

تحریر یافته و این معنی را شیوه تذهیب صفحه آغاز کتاب تأیید می کند. هر چند ممکنست بعضی بگویند چه اشکالی دارد خط در آغاز قرن نهم نوشته شده تذهیب در آغاز قرن دهم انجام گرفته، اگر بخواهیم این ادعا را بپذیریم ولی اسلوب خط قابل انکار نیست (عکس نسخه اساس خانلری و عکس تذهیب ۸۶۱)

تذهیب در آغاز قرن نهم که دوران شکوفائی این هنر در مکتب هرات بوده در بیشتر شهرهای عراق بسبب حضور سلطان ابراهیم میرزا (۷۹۶-۸۳۸) و استادان تذهیب و نقاشی هرات که همراه وی بفارس آمده بودند تأثیر بسیار در مکتب تذهیب عراق گذاشته است و بیشتر هنرمندان عراق بدان شیوه تذهیب کرده اند و در آغاز قرن دهم این سبک بکلی عوض شد - و بطرز آغاز دیوان حافظ خلخالی که در زیر نمودارست کار می کرده اند و بیشتر کتابهای خطی در آغاز قرن دهم بدین شیوه است، و رای مکتب قزوین در نیمه سلطنت شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۴)

در اینصورت بوضوح روشن می گردد که کاتب نسخه اساس حافظ خلخالی عین عبارت پایان نسخه ای که از روی آن نوشته و مورخ بسال سبع و عشرین و ثمانمائیه ۸۲۷ بوده نقل کرده بدون آنکه رقم خود و تاریخ تحریر را بگذارد. بنابراین اصلتی که آنان تصور می نموده اند ندارد و بهمین دلیل متن حافظ آنان هر چند از روی نسخه ۸۲۷ کتابت شده صحیح و مضبوط نیست.

* * *

محمدعلی جمالزاده

روانهای روشن

نگارش دکتر غلامحسین یوسفی - تهران، انتشارات یزدان (۱۳۶۳)

درباره کتاب گرانقدری چون «روانهای روشن» چون من کسی که در این اوقات روان روشنی ندارم هر چه بعرض برسانم جسارت محض خواهد بود ولی تنها یک مطلب را که کم و بیش با مندرجات این کتاب ارتباطی دارد، اگر بعرض برسانم شاید زیاد عاری از فایده نباشد. در «روانهای روشن» در هر فصلی تعلیمات بغایت سودمند و حکیمانه بخوانندگان یا مردم امروز سرزمین ایران داده شده است تا رهنمای آنها باشد و آنها را به صفای باطن و انبساط روانی و ثروتمندی واقعی هدایت نماید. پس می توان گفت که استاد غلامحسین یوسفی نه تنها کتاب مستطاب بسیار سودمندی نوشته و منتشر ساخته است، بلکه به جرأت می توان گفت که ثواب عظیمی از لحاظ ایمان و خدمتگزاری به نوع و